

23 سپتمبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف درکشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش هفدهم

ختم شورش و آغاز دوره دیگر:

از جمله 500 نفر شورشی فقط 52 نفر محکوم به اعدام شدند و دیگر زندانی های مردم منگل، جدران و غلزائی را عفو و رها نمودند و عده ای را به ترکستان تبعید و در آنجا برایشان زمین دادند. ملاعبدالله و ملاعبدالرشید سران و محرکان اصلی شورش و تعدادی 9 نفر از همکاران شان بروزاول ماه دلو 1303 (21 جنوری 1925) بحضور شاه امان الله در ارگ آورده شدند و این همان روزی بود که شاه رساله شاهی را بحضورمی پذیرفت و مورد نوازش و تفقد قرار میداد. شاه امان الله طی مراسم خاص نظامی درحضوراعضای دولت و بزرگان دربار از خدمات اردو در فرونشاندن شورش با آب و تاب خاص سخن گفت و از فرزندان نیک بخت و بدبخت خود یاد کرد و گفت: «این دو نفر و جمیع اعوان و طرفدارانش را به هرجائیکه باشند، عام از اینکه من آنها را بشناسم، به قهر پروردگار و غضب جبار که سخت ترین مجازات است، می سپارم...»

بعد ازختم بیانیه شاه، رساله شاهی مرخص گردیدند و اما سران شورشی همچنان درجاهای خود ایستاده ماندند و شاه روی به دو ملا کرد و در حضور وزراء و اهل دربار از آنها پرسید: «در نظامات دولت چه اعتراضات داشتید و چگونه مردم را و به چه مقصد تحریک به بغاوت کردید، واسطه طلب کردن عبدالکریم فراری بخاک افغانستان کی بود و کدام نفر ها برای وی از اهالی جنوبی بیعت می گرفتند، کدام حاکم و مأمور دولت با شما دست داشت؟ شما دلایل خود را با بسیار درستی بیان کنید و علماء را قانع سازید!»، اما هر دو حرفی به زبان نیاوردند و شاه امر کرد که 11 نفر مذکور در ارگ محبوس شوند و هیئت مؤلف از ایشان استنطاق نماید که کارتتحقیق همه متهمان که تعداد شان زیاد بود، تا ماه جوزای 1304 ادامه یافت. (شرح مزید دیده شود - وکیلی پوپلزائی: "سلطنت امان الله شاه"، جلد دوم، صفحه 262 تا 265)



عده ای ازخوانین شینوارکه طرف لشکر جهل ملای لنگ را گرفتند، اما به زودی سرکوب شدند.

روزنامه "حقیقت" در شماره 121 مورخ چهارشنبه 6 جوزای 1304 بعد ازطی مراحل و اكمال تحقیقات از متهمان متن ذیل را در مورد جزای تعدادی از سرگردگان و محرکان شورش جنوبی با این عبارات به نشر سپرد:

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په څیر و لولئ

عین متن: «مجلس مجازات خائنین سمت جنوبی در وزارت حربیه



روز دوشنبه 4 جوزاعوم مامورین بزرگ و کوچک ملکی و نظامی م عامه اهالی شهر و ششکروھی از طبقه ادنا تا عالی برای ملاحظه اینمجلس ومعاینه نتیجه "مقابله علم و جهل" با یک حس انتقام جویانه در وزارت حربیه و اطراف و جوانب و سرکهای و چمن های دور و پیش وزارت بیک هجوم و ازدحام بی پایانی احضار یافته بودند. ذات اعلیحضرت غازی ساعت نه و نیم تشریف فرمای محفل مزبور گردیدند و پس از ایراد نطقی که مشتمل بر اظهار تأسف ذات ملوکانه بر وقوع این واقعه و ذکر احسان و نوازش شانرا که به این قوم احسان فراموش فرموده بودند با شرحی از حرکات... و اقدامات قبیحه بغاوت پیشگان سمت جنوبی و حوصله و شفقت و رأفت و حلم خسروانه بود، برای حضار دانانند و جوابهای متعدده بغات را باریاب حضور اشرف خویش فرموده برای حضار از حرکات ناصواب و عملیات سراپا... آنها توضیحاتی میدادند و سپس از آن مجازاتی که در... از نقطه نظر سلطنت و رأفت شخص... دست رعیت پرور می بودند، برای آنها نموده احکام آنرا امر و اراده میفرمودند:

بالجمله ملای لنگ و رفیق... او را با جمیع اعوان و انصار و عده از سرغنه های بغاوت سمت جنوبی که تعداد آنها بیش از پنجاه و چند نفر نبود، حکم باعدام فرمودند و امر فرمودند تا علی الفور چانماری شوند. لهذا به تپ مرنجان در موقعیکه یک جمعیت از اهالی که بهیچ صورت کمتر از 12

هزار نفر نبودند، اطراف شانرا حلقه نموده بودند برده شدند. و اشخاصیکه حکومت از حرکات آتیه آنها نسبتاً نمی اندیشید، محکوم به نقیه بلد شده بوزارت حربیه امر شد که آنها را بولایات و حکومتی های افغانستان فرار داشته برای شان در آنجا زمینداری و خانه داده شود و جمعی از جوانان قابل کار شانرا بقسم یرغمل امر داشته که بکابل مانده و در معابر و نیاز تعمیرات کار کرده و از حق الزحمه خود امرار حیات نمایند و بر تعداد دیگر پس از تحویل نمودن.... نقد بقسم ضمانت اصلاح اعمال آتیه واپس بر ملک شان روانه و جایداد شان واپس داده شود. « (چون خواندن چند کلمه در متن فوق مغشوش بود، لذا... گذاشته شد، ولی مفهوم خیر کاملاً واضح میباشد - کاظم)

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لمخې په څیر و لولی

نگاهی مختصر به دوره دوم اصلاحات امانی:

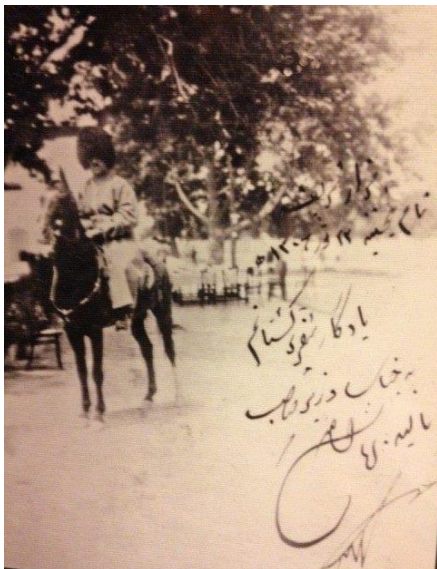
چنانچه قبلاً تذکر رفت، دوره اصلاحات عصرامانی را میتوان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول از 1298 ش (1919) تا 1302 (1923)، دوره دوم از 1925 تا 1927 که البته اغتشاش خوست دوره اول و دوم را از هم جدا کرد و دوره سوم بعد از عودت شاه و ملکه از سفر اروپا (جون 1928) تا ختم دوره سلطنت (جنوری 1929)

عمده ترین مشخصه دوره اول بعد از استقلال کشور همانا تلاش شاه برای ایجاد تحولاتی بود که در ساحه قانون گذاری و معارف در پیش گرفت و بدانوسیله خواست تا برخرابه های نظام کهنه قبايلي تهداب یک دولت عصری را بر مبنای قانون و نظم اداری اساس گذارد، ولی قیام خوست شاه امان الله را متوجه خطری ساخت که آینده را تهدید میکرد و سرعت عمل در اصلاحات، حربه مخربین را بر علیه دولت تیزترمی ساخت. لذا شاه مجبور گردید درلویه جرگه 1303 (1924) از یک قسمت اصلاحات منصرف شود. با کسب این تجربه شاه در دوره دوم کمی محتاط شد و با آنکه تحول در ساحه قانون گذاری را بطی ساخت، اما بیشترین توجه خود را به اداره کشور و تطبیق قوانین نافذ و همچنان هدف بزرگ خود یعنی انکشاف معارف و باسواد ساختن نسل جوان در سطح کشور معطوف کرد و نیز کوشید تا بر حمایت خود از حقوق زنان ادامه دهد. علاوتاً شاه خواست تا تجدد را در ساحه عمرانات مدرن با برنامه احداث شهر جدید کابل بنام "دارالامان" آغاز کند و به شهر کابل به حیث پایتخت کشور چهره نوین ببخشد؛ اعمار سرک بزرگ دارالامان و تمدید یک خط آهن از مسجد شاه دو شمشیره تا شهر جدید کابل یک قدم نو در این راه بود. از همه مهمتر با ورود متخصصین خارجی، بخصوص در اعمار قصر دارالامان و تاج بیگ و دیگر عمارات در پغمان، در واقع تحول بزرگ در اسلوب معماری به وجود آمد و شیوه های عنعنوی جای خود را روشهای جدید سپردند. با نصب یک دستگاه فرستنده امواج رادیو بار اول مردم کابل از طریق اخبار و موسیقی را شنیدند و با اعمار سینما برای مردم قدم دیگر بسوی تمدن جدید گذاشته شد. اولین کتابخانه عامه زمینه استفاده از کتب را برای همه فراهم کرد، برنامه های ورزشی مدرن در پهلوی ورزش های عنعنوی برای جوانان رویدست گرفته شد و جراید آزاد به نشرات آغاز نمود. خواهران ملکه ثریا کوشیدند تا لباس های مخصوص زنان را با حفظ حجاب شرعی انکشاف دهند و نیز سعی گردید تا برای زنان خانه صنف های تعلیم "صنایع دستی" از قبیل ساختن گلها، خیاطی، گلدوزی و مشاغلی که زنان بتوانند در خانه با آن مصروف شده و ضمناً از طریق فروش آن کمی پول بدست آورند و در پی استقلال اقتصادی خود برآیند.

شرح هر یک اقدامات مهم فوق از موضوع بحث این نوشته بیرون است، لذا در این میحث با اختصار به ذکر چند موضوع مهم موضوع بسنده میشوند که مستقیم و یا غیر مستقیم با انکشاف معارف ارتباط میگیرد، از جمله:

1 - سفر به ولایات بغرض تفتیش امور:

(عکس مقابل: سفر تفتیشی شاه امان الله به ترکستان مورخ 22 ثور 1308 ش)



شاه امان الله با یک هیئت بزرگ برای تفتیش اجراءات امور حکومت در ولایات شمالی (ترکستان)، مرکزی، شرقی و جنوب شرقی سفر کرد و در هر ولایت مدت چند هفته را به واریسی پرداخت و از امور صحتی، معارف، زراعت، محاکم، قطعات نظامی و کارکردهای آن ها بر طبق نظامنامه ها تدقیق و تحقیق بعمل آورد؛ به کسانی که در وظایف محوله موفق بودند، پاداش و به کسانی که در وظیفه اغفال کرده بودند، جزایهای متناسب داد و در مورد کمبودها و نواقص اجرائی به مشوره مشترک در حدود امکان راه های حل رفع معضله را جستجو کرد. متأسفانه به استثنای کتبی که از جریان بازدید امور در قندهار بقلم خود شاه بدست نشر سپرده شد، دیگر گزارش مشرح از سائر ولایات (به استثنای گزارشهای مختصر در جراید آنوقت) در دست نیست. از حبیب الله رفیع محقق افغان باید ممنون بود که این نسخه مهم را با نوشتن یک مقدمه عالی پس از تصحیح و تعلیق زیر نام "حاکمیت قانون در افغانستان" از فراموشخانه روزگار بیرون آورد و در سال 1378 در

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

پشاور به چاپ رسانید که میتوان آنرا نمونه یک بررسی و واریسی امور در سائر ولایات شمرد، چنانکه از این کتاب بر می آید شاه بر علاوه تفتیش ادارات مختلف، یک روز را برای مردم اختصاص داد و نتایج تفتیش را در ساحات مورد نظر به اطلاع عامه رسانید و برای مردم وعده اصلاح فوری نقایص را سپرد. همچنان شاه در چهار نماز جمعه در قندهار اشتراک و مطالبی بس ارزشمندی را در باره اسلام، وحدت ملی، و حفظ ارزش های اسلامی و افغانی، حریت و نظم و همچنان اخوت و برادری در خطبه های نماز بیان کرد که ذکر همه مطالب در این مختصر نمی گنجد. (علاقمندان میتوانند به اصل کتاب رجوع و متن مکمل خطبه ها را از صفحه 171 تا 197 مطالعه فرمایند)

شاه امان الله در گزارش نهائی از نتایج بررسی ها در مورد معارف به مطالبی اشاره کردند که جا دارد نکاتی مهم آن با اختصار تذکار یابد. شاه میفرماید: بعد از آنکه لایحه تفتیشیه معارف به من رسید، خودم بالذات در مکاتب قندهار رفتم و از هر صنف و هر جامعه طلبه آن رقم امتحان گرفتم سوالاتی متعددی از هر طالب علمی که نسبت به دیگران کند ذهن و غبی به نظر می آمد، می کردم، لیکن جوابات بسیار خوب و در دست از آنها می شنیدم.

تکلیف طلبه قندهار در آن بود که تمام کتب درسی آنها به فارسی تهیه شده بود، ولی وقتی به آنها پارچه های اخبار را در جیب داشتیم میدادم، روان می خواندند و میتوانستند محتوی آنرا به پشتو ترجمه نمایند... باید وزارت معارف در تهیه کتب و مواد درسی به زبان پشتو برای آنها اقدام کند...

با اینکه برای آنها از طرف پدران و امران و خانها و اعزّه آنها که اکثریه دشمن معارف هستند، هیچ یک رقم تشویق و ترغیبی نشده و نه اسباب دلگرمی و محبت آنها با مکاتب از طرف احدی بعمل آمده است، باز هم بچه های بسیار خورد که در مکاتب مدت کمی تعلیم گرفته اند، نسبت به جوانای که به نزد آخوند ها و ملاهای روی کوچه و بازار گلستان و بوستان و مثنوی را از مدت زیاد تعلیم گرفته اند خوبتر و بهتر ولایق تر به نظر آمدند. وقتی در شیشه خاک آلود موتر خود با انگشت مطلبی نوشتیم، جوان به درستی خوانده نتوانست و اما بچه های مکتب در جواب همچو سؤالا چندین نفر دست بالا میکردند... اشخاصی را که مانع رفتن فرزندان شان به مکتب شده بودند، نزد خود خواستم و برای شان توصیه های لازم کرده و هر یک آنها را پنج پنج روپیه جریمه نمودم و آنها تعهد کردند که مانع شمول پسران خود در مکتب نشوند....

در مکتب اهل هندو قندهار تعداد شاگردان روبه کاهش بود و آنهم به دلیل اینکه یک معلم کوشیده بود دو نفر طلبه اهل هندو را مجبور به تغییر دین و مسلمان سازد. اینکار درست نبود؛ باید کوشش ما از عالم بودن و دانسته شدن تمام افراد افغانستان باشد، اگرچه مسلمان باشد و یا هندو و یا کسی دیگر باشد؛ اگر مسلمان باشد، کوشش کنیم که یک مسلمان صاحب دیانت و با تعلیم و فهمیده شود و اگر هندو یا کسی دیگر باشد، باید او را ما یک هندوی مکمل صاحب تعلیم بسازیم تا از هر واحد آنها حسب الزوم برای افغانستان خدمات بگیریم. یک غلطی دیگر در مکتب اهل هندو دیدم که آنها دینیات خود را تعلیم درست نمی گرفتند و برای آینده امر کردم که در ساعتی که بچه های مسلمان دینیات اسلامی خود را میخوانند، باید طلبه هندو نیز دینیات مذهب خود را بخوانند.

امر کردم تعداد مکاتب در قندهار افزوده شود و تعداد موجود شاگردان که به 700 نفر میرسد باید از 600 تا 800 شاگرد دیگر بران علاوه شود و وزارت معارف وسایل را تدارک نماید. چون شرح مزید این موضوع به درازا میکشد، لذا طور نمونه در اینجا به ذکر همین فشرده از بیانات شاه امان الله بسنده میشود. (برای شرح مزید دیده شود: کتاب "حاکمیت قانون در افغانستان" به اهتمام حبیب الله رفیع، پشاور 1378، صفحه 20 تا 54 و نیز صفحه 208 تا 213)

یقین است که سفرهای تفتیشی شاه امان الله در ولایت دیگر کشور نیز به عین شکل بوده و نتایج خوبی در راه تطبیق قوانین و اجراءات دوایر مربوطه داشته است. بر علاوه شاه طی این سفرها کوشیده بود تا با مردم تماس مستقیم برقرار کند و در مواقع مختلف چه بطور جمعی و چه به شکل انفرادی و گروهی مسایل مهم مملکتی را در میان بگذارد و برای تنویر اذهان شان جهت همسویی با نوآوریها و تحولات لازمی در کشور مذاکره و مفاهمه نماید. سنزل نوید در زمینه می نویسد: «امان الله خان میخواست که ضمن این سفرها مردم ولایات را از اهمیت اصلاحات اداری و ترقی معارف بدون مداخله رهبران دینی آگاه سازد و روابط نزدیک بین دولت و ملت را برقرار سازد... در عین زمان شاه با این سفرها توانست با اشتراک در جرگه های قومی و ملاقات با سران متنفذ قبایل، اعطای بخشش ها به رهبران مذهبی و قبیلوی و تعمیر مجدد مساجد و زیارت ها به مصرف دولت رابطه اش را با مردم بالخصوص مردم قبایلی استحکام بخشد.» (نوید، سنزل: "واکنش های مذهبی و تحولات اجتماعی..."، صفحه 155 - 156)

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له راپرولو مخکي په څير و لولئ

2 - افزایش تعداد مکاتب ابتدائیه و رشديه:

در این دوره بر تعداد مکاتب ابتدائیه در کابل و نواحی دور و نزدیک آن و نیز در ولایات کشور سریعاً افزوده شد و در بسا نقاط کشور مکاتب ابتدائیه به رشديه ارتقا کردند. در کابل مکاتب امانیه و امانی در سطح رشديه یعنی بالاتر از صنف پنجم توسعه یافت، همچنان در جلال آباد، قندهار، هرات، مزار شریف و قطغن مکاتب به سطح رشديه بالا رفت و مکتب موزیک، مکتب پولیس و مکتب تدبیر منزل برای زنان در کابل تأسیس شد. در سال 1327 تعداد مکاتب ابتدائیه به 322 باب در مرکز و ولایات رسید و تعداد شاگردان مکاتب ابتدائیه بالغ به 51 هزار تن و در مکاتب رشديه و مسلکی به 3 هزار شاگرد افزایش کرد. (غبار، میر غلام محمد: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد اول، چاپ ایران، صفحه 792 - 793)

3 - بازگشائی مکاتب دخترانه و پیگیری مجدد حقوق زنان:

در لویه جرگه 1303 بنا بر اصرار مکرر و جدی علمای محافظه شاه مجبور گردید از عزم خود در مورد معارف نسوان و حقوق حقه آنها بگذرد و لویه جرگه از شاه درخواست کرد که: «قرار مسائل مسلمة و روایات مفتی بها شریف شریف بائستی تعلیم و تحصیل نسوان در خانه های خود از اقارب خود محارم شان باشد تا از آن تعلیم دینی که فرض منصبی ما ملت افغان است، محروم نمانند... تعلیم جمعیت نسوان در مکتب ها نشود تا مسئله حجاب و ستر که یک فرض ضروریست، برای نسوان اسلامی خوبتر و بهتر حاصل شود. آنچه معلومات شرعیه درین موضوع به نزد این خادمان دین مبین بود، عرض شد. اگر حضور والا را تسلی و اطمینان بر نوشته مایان بشود، بهتر و الی درین مسئله از دیگر علمای اسلامی ممالک خارجه هم معلومات و افره و فتوهای موثقه را نیز حاصل فرمایند.»

شاه امان الله ناگزیر شد به دلیل فشار وارده به دلیل اوج شورشدر سمت جنوبی به خواست این علماء تن دهد و آنرا قبول کند اما ضمن قبولی پیشنهاد آنها تصریح کرد و در جواب گفت: «اگر چه در موضوع تعلیم نسوان گفت و شنید ما و شما قبلاً به پایان رسیده و مفکوره تانرا درین مسئله قبول کرده ام، لکن باز هم میخواهم که توجه شما علمای اعلام و فضیلت کرام ملت عزیزم را بسوی این نکته مهمه بنمایم که درین مورد باید ما و شما از عقل و فکر و طرز عمل عموم عالم اسلام کار بگیریم و مزید بر آن روا دار نشویم که طبقه انائیه ما در یک عالم جهالت و نادانی و فرومایگی زندگانی کنند. تعلیم طبقه انائیه از حد ضروریست و نباید ما و شما به مخالفت حدیث (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة) برائیم و نباید بگوئیم که ما افغانیم باید زنان ما از راه خدا و رسول و مبداء و معاد خود بیخبر بوده در یک عالم جهالت و نادانی باشند. بایستی ما برحال آن اطفال خود که تقریباً تا بعمر هشت سالگی در اطراف و جوانب مادر و خواهر و خاله و عمه و دیگر اقارب انائیه خود زندگانی مفیده اولیه خود شانرا بسر میبرند، ترحم کنیم و محض جهت تعلیم و تربیه آن اطفال درین مکتب نخستین که مکتب آغوش مادر گفته میشود، آنها را از مسایل ضروریه مطلع کرده اطفال خود را ازین فیض عموم محروم نداریم. بالای ما و شما لازم است که طبقه نسوان خود را عالم و دانسته و مطلع از فرائض و واجبات و سنن و مندوبات و دیگر ضروریات بنمائیم. تا اولاده ما و شما در همان صغارت که تعلیم آنرا پیغمبر ما (کالنقش فی الحجر) گفته است و اهل سلف همین تعلیم را میگویند: «با شیر اندرون شده با جان بدر شود»، از اخلاق و عادات و اطوار خوب مستفیض و با آداب و صفات خجسته، متحلی [آراسته] شوند.»

شاه در ادامه اضافه کرد: «گاهی طرفدار این امر نبوده و نمیباشم که صبیاتی که قریب به مراهی [بلوغ] باشند، در مکتب آمده تعلیم گیرند بلکه مفکوره و نظریه من نظر به مفاد بزرگ و ملحوظات سترگی که به شمه از آن در فوق اشاره شده بود، چنانکه صبیات خورد سال با همه گونه مراعات ستر و پرده در مکتبی که کاملاً محفوظ و مستور است و معلومات آنها نیز نسوانند، آمده تعلیم گیرند. اکنون که شما علماء میگوئید که خروج صبیات نیز برای تعلیم مستحسن نیست، بالفعل ما درین مفکوره تان با شما محض مراعات شرع شریف متفقیم، اما گمان نمیکنم که دیگر علمای عالم اسلام و فضیلت هند و سند، مصر، مکه معظمه، مدینه منوره، شام، بیت المقدس، بغداد، بصره، کوفه و ترکیه درین نظریه با شما متفق باشند، زیرا که در هر یکی ازین بلاد معظمه اسلامیة بتعداد غیر واحده مکاتب انائیه موجود است.»

با وجود این قبولی این موضوع باز هم وقتی شورش سرکوب شد و موقف شاه و سلطنت مجدداً استحکام یافت، شاه و ملکه در سال 1305 (1926) هردو در مورد بازگشائی مکتب دختران علی الرغم آنچه در لویه جرگه به تصویب رسیده بود، اقدام و مکاتب دخترانه را تدریجاً باز کردند. در آغاز قرار شد که دختران زیر نظر ملکه ثریا در ارگ

د پانوی شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

به شکل مکتب خانگی به تعلیم و درس بپردازند و نیز در جهت معارف نسوان و حقوق زنان اقدامات دیگر اما با احتیاط صورت گیرد، چنانچه شاه در یک خطبه نماز جمعه حین سفر تفتیشی در جلال آباد بتاريخ 7 جوزا 1305 (28 می 1926) حضار را تشویق نمود تا در رابطه با حقوق ازدواج اصول شرعی را که عدالت است، پیروی نمایند و به زنهاى بیوه اجازه دهند به میل خود آزادانه به ازدواج مجدد بپردازند. همچنان در اواخر همان سال مکاتب نسوان در کابل رسماً دوباره افتتاح گردیدند و شاه و ملکه رسماً از آن دیدار کردند و دختران را به مسئولیت های شان در آینده آشنا ساختند و آنها را از حقوق مساوی شان با مردان آگاهی دادند تا آنها خود را برای سهمگیری فعال در حیات آینده آماده سازند. در یک دیدار دیگر بتاريخ 7 جولای 1926 شاه خطاب به دختران گفت که: «رسم حجاب در افغانستان به نحو مبالغه آمیز بر زنان تحمیل شده است. حجاب در صورتی که به حد اعتدال رعایت شود، رسم بسیار خوب است، اما حجاب واقعی در قلب و روح زن است. نباید اجازه داد که حجاب ظاهری مانع ترقی ملی گردد... یکسال بعد شاه در بیانیه خود به مناسبت افتتاح مراسم جشن استقلال زنان کابل را مخاطب ساخته وظایف شانرا در برابر ملت بعنوان مادران نسل آینده افغان به آنها روشن ساخت و در همان سال عده ای قابل ملاحظه از خانم های پایتخت با حجاب اندک در فعالیتهای مربوط به جشن استقلال سهم گرفتند.» (نوید سنزل: مأخذ بالا ... صفحه 158 و 159)

(ادامه دارد)

د پانیو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ